

دلنوشته

انتشار شماره مخصوص برای پایان سال برای نشریات به یک سنت حسنه تبدیل شده است. در سال های گذشته ما نیز در حد توان به این کار اقدام می کردیم ولی امسال با وضعیت حاکم در جامعه دل و دماغی برای نوشتن و انتشار ویژه نامه آخر سال نمانده است. گرانی از یک طرف امان بریده است. زندگی کردن و توقع جمع خانواده را با حقوق بازنشستگی برآورده کردن به یک کار غیر ممکن تبدیل شده است.

معاون اول رئیس جمهور در برنامه های تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهور قول داده بود که آن چنان رونق اقتصادی ایجاد بکنند که مردم نیازی به چندرغاز یارانه نداشته باشند ولی همه وعده های این دولت مرد بر عکس شده و حالا من یکی که بیشتر چشم به موعد واریز یارانه دوخته ام که حداقل بتوانم قبض آب و برق را با آن تسویه بکنم و شاهد اخبارهای قطع فوری نباشم.

از طرف دیگر ویروس کرونا هم که داستان عجیب و غریبی دارد. بیشتر از خطرات ویروس، استرس ناشی از ترس آن دمار از روزگار درآورده است. درست که باید برای مبتلا نشدن موارد بهداشتی باید رعایت شود و گفته ها و توصیه های متخصصین به کار گرفته شود ولی نباید خود را باخت و ترس و استرس را به اطرافیان منتقل کرد

به که مشغول به این شغل نسازی خود را

این نه کاری است مبادا که بیازی خود را

با همه این مشکلات و نارسائی های موجود و مشغولی ذهن باید چیزی نوشت. مگر می شود که شماره آخر سال را بخواهی منتشر بکنی ولی دلنوشته ای نداشته باشی؟

در یک سال گذشته بر حکم وظیفه تا آن جا که می توانستیم نوشتیم از کمبودها و ضعف ها گفتیم و نقاط مثبت در کارنامه مسئولین را ستایش کردیم ولی چندان با گوش شنوا مواجه نشدیم. دوستان و عزیزان چه بخواهند گوش بکنند و یا خود را به کری بزنند و چه بخواهند که ببینند و یا چشمان شان را بر واقعیات غیر قابل انکار آزار دهنده ببندند و چه قصد انجام کار و ادای وظیفه داشته باشند و چه غافل از مسئولیت ها دل به مشغولیت ها ببندند ما به وظیفه خود عمل می کنیم چرا که فردای قیامت نمی خواهیم در مقابل پروردگار و در دادگاه عدل الهی حرفی برای گفتن نداشته باشیم.

از بس که مسئولین به فریادها گوش نکردند و توجهی به نیازها و خواست ها نداشته اند چاره ای نیست که از قول شاعر بگوییم:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آن چه البته به جایی نرسد فریاد است.

همه فن حریف

فردسی بزرگ می گوید:

چون این کار آن جوید ، آن کار این

پر آشوب گردد سراسر زمین

پر آشوب بودن فضای رسانه ای و میدان داری فعالان مجازی در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی چهره خود را کاملاً نشان داد. برخی ها با چند خبر منتشر کردن بدجوری بر تأثیرگذاری در جریان امور ایمان آورده و به درجه ای رسیده اند که گاهی ادعا می کنند که توانایی به اوج رساندن فردی و به زیر کشیدن شخص دیگری را دارند.

آن ها برای خود و دوستان بدجوری نوشابه باز می کنند و متأسفانه رفتار برخی از مسئولین و ترس از انتقاد و هياهو، دوستان را در توهم تأثیر گذاری در امور جامعه کمک و مساعدت می کند.

اما مطبوعاتی ها و فعالان عرصه رسانه مکتوب اکثراً جایگاه واقعی خود را حفظ کرده و وارد برخی از معاملات پشت پرده و زد و بند های مسئله دار نشده اند. انتخابات یازدهمین دوره مجلس برای نشریات مکتوب روزهای خوبی به همراه نداشت ولی امیدواریم که روحیه حفظ موقعیت و وقار و عظمت در بین مطبوعاتی های اصیل و استخواندار هم چنان حفظ بشود.

فوتبال اردبیل

دوستی می گفت چند صاچی است که در ارتباط با فوتبال نوشته ای نداری، چرا؟ خبری است؟

گفتم نه برادر من خبری نیست. از چیزی که وجود خارجی ندارد چه باید نوشت؟

فوتبال ما فقط در حرف ها و سخن ها خلاصه می شود وقتی فریادرسی نباشد و زمانی که اراده ای برای بهبود اوضاع نباشد و وقتی خودی ها دم فرو بندند، دیگر جایی برای حرف زدن باقی نمی ماند.

فوتبال نیزخودش راضی نیست که ما چیزی بگوئیم گویا خود فوتبال نیز به این نتیجه رسیده است که در استان بدجوری به بندش کشیده اند و راهی برای نجاش وجود ندارد.

در میان هفت دریا تخته بندم کرده اند

باز می گویند که چابک باش و دامن تر مکن

نکونام

انتخابات مجلس بار دیگر نشان داد که مردم به خوبی خادم را از خائن و خدمتگزار را از شعار دهندگان تشخیص می دهند. عده ای خیلی تلاش کردند با بهره گرفتن از همه امکانات، برخی از چهره های مردمی

را تخریب بکنند و مانع از موفقیت شان بشوند. آن ها تا جایی که می توانستند پیش رفتند و حرمت ها را شکستند و دروغ را چون نقل و نبات در جامعه پخش کردند و بسیار امیدوار بودند که از موفقیت چهره های مردمی ممانعت بکنند ولی نتایج انتخابات بار دیگر بر عظمت، بزرگی و قدرشناسی مردم تأکید کرد.

نکونام را کس نگیرد اسیر
بترس از خدا و مترس از امیر
اگر بنده کوشش کند بنده وار
عزیزش بدارد خداوندگار

ممنوعیت دروغ در ورزش

آن هایی که به صفت مذموم و زشت و ناپسندی چون دروغگویی روی می آورند بزرگترین ظلم را قبل از هر چیز و هر کس متوجه خود می کنند. دروغگویی در ورزش سخت و حقیقتاً نابخشودنی است. ورزش عرصه ای برای فعالیت انسان های آزاده، افراد درستکار، نیک اندیش، صادق و راستگو است.

امیدواریم در سال جدید دروغگویان شناخته شده و تابلو دار عرصه ورزش برای در پیش داشتن سالی عاری از دروغ همت بکنند و بدین وسیله سعی نمایند تا حیثیت آسیب دیده را ترمیم و اعتبار از دست رفته شان را به دست آورند.

دنیا، منافع مالی و میز ریاست و مدیریت ارزش دروغ گفتن و پایمال کردن حق و حمایت از ناحق را ندارد چرا که:

عن قریب است ک از ما اثری باقی نیست
شیشه بشکسته و می ریخته و ساقی و نیست